عکس: برترین ها

از بحران بزک های بی رویه تا قیمت های نجومی

سرکیسه کردن مشتریان میزآرایش

گزارش

حمیده امینی فرد
خبرنگار

زمان وقت‌دهی در یک بازه زمانی ۲ ساعته مشخص شده است؛ از ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر. دیر بجنبید سرتان بی کلاه می‌ماند. منشی سالن که بعد از ۲۰ تماس ناموفق بالاخره زحمت برداشتن گوشی تلفن را می‌کشد، با لحن موذیانه‌ای که معلوم می‌شود در پشت آن یک چهره خسته و بی اعصاب نشسته است، می‌گوید: «ببین گلم، ساعت بشه ۲ و یک دقیقه هم من نمی‌تونم کاری کنم، حتماً حتماً همین ساعت تماس بگیر، می‌دونی که وقتام زود پر می‌شه.» پروسه ثبت وقت برای خدمات این آرایشگاه که لوکیشن‌اش در بهترین نقطه در شمال تهران واقع شده هم کم عجیب و غریب نیست .

در بازه زمانی تعیین شده، اگر شانس با شما یار بوده و تلفن‌تان پاسخ داده شود هم باید جوابگوی سؤالاتی باشید که منشی سالن را مجاب کند شما ارزش وقتی را که گرفته‌اید، دارید. او با ادبیاتی که بیشتر در کلاس‌های زبان شنیده شده، از شما می‌پرسد «فقط هیر کات؟ (کوتاهی مو)» و شما می‌گویید «بله.» او این بار با لحن جدی‌تری می‌پرسد: «اسپلیت اندس (موخوره) یا تین اوت (نازک کردن موی پرحجم) ندارید؟» و البته وقتی با تعجب و سردرگمی شما که معلوم است از هیچ کدام این اصطلاحات سر در نیاورده‌اید، روبه‌رو می‌شود، با لحن تمسخرآمیزی، می‌گوید: «قشنگم نرخای اسفند به خاطر شلوغی و عیدی یه کم متفاوت شده تا مشتریا زحمت عیدی پرسنل نداشته باشن.

البته اگه خودتون بخواید ما مشکلی نداریما، به مجموعه ربطی نداره.»

و چند ثانیه بعد، وقتی واکنش منفی شما را حدس می‌زند، همه تلاشش را می‌کند تا با لحن ملایم‌تری از ترفندهای دیگری پرده بردارد که ظاهراً برای سرکیسه کردن مشتریان در آستانه سال جدید در این آرایشگاه طراحی کرده‌اند. آرایشگاهی که برای پرداخت نکردن مالیات حتی از نصب یک تابلوی عمومی دریغ کرده و برای گرفتن آدرس هم باید حتماً طبق مراحلی جلو بروید که برای اعتماد میان مشتریان و آرایشگران تدارک دیده‌اند. از اعلام نام معرف تا ثبت آدرس منزل و محل کار تا اطمینان حاصل شود که مشتری نفوذی در بین مشتری‌ها نیست. در این آرایشگاه براشینگ (مرتب کردن موها) هم روی خدمات لاین مو اجباری شده است.

برای همین اگر بخواهید موهایتان را به دست آرایشگر اصلی بسپارید، برای یک کوتاهی در کنار کرلی (فر کردن مو) و یا استریت (صاف کردن مو) باید یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان بپردازید. درحالی که نرخ کوتاهی مو در همین آرایشگاه در هفته گذشته ۵۰۰ هزار تومان بیشتر نبوده است. اگر هم جزو مشتریان «بی پول» محسوب شوید (مشتری‌هایی که این روزها به علت سؤال کردن درباره نرخ خدمات در شبکه‌های اجتماعی به مشتریان بی پول معروف شده‌اند!) باید از شاگردان و به عبارتی زیردستان خانم آرایشگر خدمات را دریافت کنید که تقریباً ۵۰ درصد زیر قیمت اصلی ا ست .

لیست طلایی نوبتی‌ها

شلوغی و ازدحام در نزدیکی‌های سال جدید بیشتر از هر بازاری، بازار آرایشگرها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نوبت‌دهی گرفته تا انجام هر نوع خدمتی که انجام آن تا پیش از اسفندماه برای هر کدام از ما راحت و بی دردسر به نظر می‌رسید، حالا به هفت خان رستم تبدیل شده است. در آرایشگاهی دیگر شما برای رزرو کردن وقتتان در نزدیکی‌های عید برای لاین ناخن باید از یک ماه قبل، روز و ساعت دقیق را مشخص کنید.

خدمات این آرایشگاه در هفته آخر اسفندماه از ۶ صبح تا ۱۲ شب ادامه دارد و اگر کسی بخواهد روزهای منتهی به سال جدید یعنی ۲۷، ۲۸ و ۲۹ اسفندماه را رزرو کند، باید با پارتی بازی زودتر از دیگران در لیست طلایی نوبتی‌ها قرار بگیرد. جالب اینکه خانم آرایشگر برای خدمات‌دهی بهتر به مشتری‌ها به سراغ رزرو پیامکی رفته و هر کس زودتر از دیگران پیامک بدهد، می‌تواند خوش شانس‌ترین فرد این لیست محسوب شود. ماجرای آرایشگاه‌ها در هفته آخر اسفندماه البته روی دیگری هم دارد. آن بخشی که تا قسمت‌تان نشود، نمی‌دانید در هیاهوی این شلوغی باورنکردنی، چه دردسرها و مشکلاتی خوابیده است. این روایت را از زبان «ملیحه»ای که می‌شنوید که نوبت ترمیم ناخن‌هایش را به هفته‌های آخر اسفندماه موکول کرده، چرایش هم مشخص است. می‌گوید که در تعطیلات نوروز، ناخن‌کارش به سفر خارجی می‌رود و تا پایان فروردین ماه هم برنمی‌گردد! برای همین برای حفظ ناخن‌هایش به اجبار باید تا روزهای آخر صبر کند. ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه صبح به سمت این آرایشگاه در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران، راه می‌افتد.

نه خبری از پارکینگ خصوصی و نه جای پارک خالی نزدیک آرایشگاه است. مشتری باید برای پیدا کردن یک جای پارک ساده، حداقل ۴۵ دقیقه خیابان‌های اصلی و فرعی دور و بر را بالا و پایین کند.

ملیحه اما به خاطر ۵ دقیقه تأخیر ناچاراً در صف مشتری‌هایی می‌نشیند که به «میان وقتی» معروفند (شبیه مطب‌های پزشکان معروف که به شما بین بیماران وقت می‌دهند!) بعدها از زبان یکی از مشتری‌ها شنیده که پارکینگ آرایشگاه را ظاهراً هر ساعت ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان اجاره می‌دهند.

صدای خاموش نظافت

صف طویل مشتری‌ها باعث شده تا خانم ناخن‌کار بی‌اعصاب‌تر از همیشه بدون آنکه حتی سرش را بالا بیاورد، چشمش را صرفاً به دستانی بدوزد که قرار است نفر بعدی باشد. فضای بسته و بدون تهویه سالن با ازدحام جمعیتی که همگی از ساعت‌ها قبل در صف انتظار نشسته‌اند، باعث شده تا نفس کشیدن در این هوا سخت‌تر شود.

به این هوای گرفته بوی شدید رنگ و مواد دکلره هم اضافه کنید. خانم ناخن‌کار که به گفته خودش از ساعت ۵ صبح از خانه خارج شده و بدون استراحت مشغول کار است، با همان سوهانی که ناخن‌های مشتری قبلی را مانیکور کرده، خرده‌های ناخن روی میز شیشه‌ای را پاک کرده و بدون آنکه ضدعفونی کند، به سراغ ناخن‌های مشتری بعد می‌رود. چهره درهم و اخم شدید او باعث شده تا مشتری‌ها حتی فکر یک تذکر ساده را هم از ذهن‌شان بیرون کنند. خانم آرایشگر با حالت تدافعی رو به مشتری که با صدای آرام از او می‌خواهد تا وسایلش را ضدعفونی کند، می‌گوید: «همه ضدعفونی شده، همان صبح زود که آمدم. تو این شلوغی توقع نداری که تک تک ضدعفونی کنم.»

بعد هم با براشی که گرد ناخن‌ها را تمیز می‌کند، روی حوله چرک زیر دست مشتری می‌کشد و همان حوله درب و داغان را توی صورت مشتری می‌تکاند و ادامه کار.

کمی آن طرف‌تر از او، خانم وکس‌کار (مومی که برای از بین بردن موهای صورت استفاده می‌شود) که حالا حسابی سرش شلوغ شده، با چوب بستنی آلوده‌ای که از روی میز شلوغ جلوی مشتری برداشته، داخل موم داغ کرده و با خونسردی روی صورت مشتری اول می‌کشد. حدود دو ساعت بعد، شلوغی آرایشگاه مجالی برای سوزن انداختن نمی‌دهد! یک نفر با پای خیس از وان پدیکور (آرایش پا) بلند می‌شود و ناخن‌کاری که در این همهمه سوهان اصلی‌اش را گم کرده، از همکار بغل دستی‌اش می‌خواهد تا سوهانی که با آن ناخن پای مشتری دو دقیقه قبلش را سوهان زده، به او قرض دهد.

بازار بده و بستان که گرم می‌شود، مژه‌کار سالن تازه یادش می‌افتد که موچین مخصوص مژه‌ها را داخل خانه مشتری جا گذاشته و حالا باید از یک وسیله مشابه برای باز کردن مژه‌های چشم مشتری استفاده کند.

در این میان تنها صدایی که شنیده می‌شود، حساب و کتاب هزینه‌هایی‌ست که این روزها از جیب مشتری‌ها به جیب آرایشگرها می‌رود. مشتری‌هایی که در سکوت‌شان مشغول دو دوتا کردن درآمد آرایشگرها هستند و آرایشگرهایی که درحال چانه زدن برای پرداخت پورسانت کمتر به مدیر سالن! و البته تنها صدایی که شنیده نمی‌شود، صدای نظافت و رعایت نکات بهداشتی ساده‌ای‌ست که ظاهراً برای هیچ کدام از طرفین چندان جدی نیست.

۶ الی ۱۲
شب

خدمات این آرایشگاه در هفته آخر اسفندماه از ۶ صبح تا ۱۲ شب ادامه دارد و اگر کسی بخواهد روزهای منتهی به سال جدید یعنی ۲۷، ۲۸ و ۲۹ اسفندماه را رزرو کند، باید با پارتی بازی زودتر از دیگران در لیست طلایی نوبتی‌ها قرار بگیرد

یک نفر با پای خیس از وان پدیکور(آرایش پا) بلند می شود و ناخن کاری که در این همهمه سوهان اصلی اش را گم کرده از همکار بغل دستی اش می خواهد تا سوهانی که با آن ناخن پای مشتری دو دقیقه قبلش را سوهان زده به او قرض دهد... بازار بده و بستان که گرم می شود، مژه کار سالن تازه یادش می افتد که موچین مخصوص مژه ها را داخل خانه مشتری جا گذاشته و حالا باید از یک وسیله مشابه برای باز کردن مژه های چشم مشتری استفاده کند

برش

- **خانم آرایشگر با حالت تدافعی رو به مشتری که با صدای آرام از او می خواهد تا وسایلش را ضدعفونی کند، می گوید:«همه ضدعفونی شده، همان صبح زود که آمدم. تو این شلوغی توقع نداری که تک تک ضدعفونی کنم...» بعد هم با براشی که گرد ناخن ها را تمیز می کند، روی حوله چرک زیر دست مشتری می کشد و همان حوله درب و داغان را توی صورت مشتری می تکاند و ادامه کار**
- **فضای بسته و بدون تهویه سالن با ازدحام جمعیتی که همگی از ساعتها قبل درصف انتظار نشسته اند، باعث شده تا نفس کشیدن دراین هوا سخت تر شود... به این هوای گرفته بوی شدید رنگ و مواد دکلره هم اضافه کنید. خانم ناخن کار که به گفته خودش از ساعت ۵ صبح از خانه خارج شده و بدون استراحت مشغول کاراست، با همان سوهانی که ناخن های مشتری قبلی را مانیکور کرده، خرده های ناخن روی میز شیشه ای را پاک کرده و بدون آنکه ضدعفونی کند به سراغ ناخن های مشتری بعد می رود...**

گزارش

امیدی که با عیدانه‌های مردمی در دل کودکان بی خانمان جوانه زد

دیگر به ته خط بر نمی‌گردیم

سمیه افشین فر/ صبح یک روز تعطیل به آدرسی که برایم فرستاده‌اند می‌روم، سالن مملو از جمعیت است، یاوران یا همان گروه‌های داوطلب با کارت‌هایی که بر گردنشان انداخته‌اند شناخته می‌شوند، خانواده‌هایی چند نفره دور آنها حلقه زده‌اند، چهره‌ها مصمم و پر انرژی است، کودکان می‌دوند و شادی می‌کنند، نمی‌توانم باور کنم که بیشتر این چهره‌های مصمم و پرانرژی روزگاری «ته خطی» بوده‌اند. ته خطی در ادبیات کارتن‌خواب‌ها یعنی هر خلافی را که فکر کنید انجام داده‌اند، در هر جایی که فکر کنید خوابیده‌اند، از کوچه‌ها و خیابان‌ها تا بیغوله‌های کثیف اما همین کارتن‌خواب‌های ته خطی، بعد از سال‌ها در به دری و بیچارگی به زندگی برگشته‌اند، درست مثل ظرف چینی بند زده حالا هر کدام برای خودشان کسی هستند، اعتیاد را ترک کرده‌اند، برای آینده‌شان برنامه دارند و مهم‌تر از همه دیگر نمی‌خواهند به گذشته برگردند.

درست همانند «کریمه» وقتی روبه‌روی من می‌نشیند و از زندگی‌اش می‌گوید؛ «روزگاری این قدر در مواد غرق شده بودم که همه چیزم شیشه بود» او حالا ۴۳ سال دارد «سن زیادی نداشتم که شروع کردم»، «گم شدن خواهرزاده‌ای که برایم خیلی عزیز بود باعث شد تا به مواد پناه ببرم و مواد پاگیرم کرد» شروع به اعتیاد کریمه اینقدر ادامه دار شد که او را به ته خط رساند «قبل از شروع به اعتیاد کار داشتم برای خودم کسی بودم اما کم کم همه چیز را از دست دادم. یک روز به خودم آمدم و دیدم نه کار دارم نه خانه و زندگی، خواهرم که همه زندگیم بود هم درگیر اعتیاد شده بود» کریمه نمی‌خواست ته خطی باشد و ته خط نماند.

«با مؤسسه طلوع بی‌نشان آشنا شدم که در حوزه تخصصی اعتیاد و مددکاری افراد بی‌خانمان کار می‌کنند، عمو رجب و بقیه کمکم کردند، زندگی‌ام تغییر کرد، مواد را کنار گذاشتم، خواهرزاده‌ام را پیدا کردم و حالا یازده سال است که سمت هیچ مواد مخدری نرفته ام.» کریمه حالا با خواهرزاده‌اش زندگی می‌کند و به همراه او آمده تا «بوی عید» را به خواهرزاده‌ای که همانند فرزندش است هدیه کند. امثال کریمه این جا زیادند؛ زنان و مردانی که رنج سال‌ها کارتن خوابی و اعتیاد انگار پیرترشان کرده، ۴۰ ساله‌اند و ۶۰ ساله به نظر می‌رسند، اما همه انگار در یک چیز مشترکند و آن انگیزه «دوباره ساختن» است در نگاه تک تک افراد می‌توانید نور امید را ببینید. یاوران که برخی خودشان روزگاری ته خطی بوده‌اند و برخی نیروهای جوان داوطلب هستند بچه‌ها را دسته دسته به خط می‌کنند، بهاره پیرمحمدزاده یکی از همین جوانان علاقه‌مند به فعالیت‌های اجتماعی است.

او می‌گوید: «پروژه بوی عید کودکانه یکی از پروژه‌های ما در مرکز خیریه طلوع بی‌نشان‌هاست، بر اساس راستی آزمایی یاوران از وضعیت کودکان، تعدادی از آنها را تحت پوشش مرکز قرار داده‌ایم که هم در طول سال تحصیلی مورد حمایت تحصیلی و مشاوره‌ای قرار می‌گیرند و هم با هماهنگی‌هایی که انجام می‌شود و با حمایت‌های مردمی هر سال در آستانه نوروز این کودکان تحت پوشش به همراه والدین و یاوران برای خرید وسایل مورد نیازشان در این پروژه شرکت می‌کنند.

نکته جالب در این برنامه این است که بعد از خرید، خود بچه‌ها کارت می‌کشند تا لذت خرید را احساس کنند با این کار بوی عید را به این کودکان هدیه می‌کنیم. در طرح امسال پروژه بوی عید کودکانه ۷۵۰ کودک از شهرقدس، کرج، پاکدشت، اسلامشهر و واوان در این برنامه شرکت خواهند کرد.» به او ضرب المثل معروف «بهتر نیست به جای دادن ماهی به این بچه‌ها به آنها ماهیگیری یاد دهید» را یادآوری می‌کنم می‌گوید: «خدمات حمایتی ما از این کودکان فقط محدود به این پروژه نیست در تمام طول سال این کودکان مورد حمایت‌های تحصیلی و مشاوره‌ای هستند. از این گذشته پدر و مادر این کودکان یا دوره بهبودی را گذرانده‌اند یا در حال گذراندن دوره‌های بهبودی هستند و در تمام طول این دوران خانواده این افراد مورد حمایت قرار می‌گیرند. بعد طی دوران بهبودی هم برای توانمندسازی، کاریابی و ورود آنها به اجتماع تا زمانی که بتوانند همانند شهروندان عادی به زندگی برگردند فعالیت‌های مرکز ادامه خواهد داشت.» گروه‌های چند نفره به سمت مرکز خرید حرکت می‌کنند، این پروژه با حمایت‌های مردمی آغاز شده؛ برخی کمک مالی کرده‌اند و برخی از مغازه داران هم تخفیفات ویژه‌ای در نظر گرفته‌اند تا در این امر خیر مشارکت داشته باشند، به سراغ بچه‌ها نمی‌روم، روح هر کدامشان بارها زخم خورده، نمی‌خواهم چینی بند زده وجودشان با یادآوری خاطرات تلخ باز ترک بردارد، اما نگاه‌هایشان را برویترین مغازه‌ها دنبال می‌کنم. کریمه خانم، دست خواهرزاده‌اش را در دستانش گرفته، به مغازه‌ها نگاه می‌کند و با هم می‌خندند.

مردم در حال خرید عید هستند، هیچ کدامشان از گذشته کریمه و خیلی از افرادی که امروز در این مرکز مشغول خرید هستند اطلاعی ندارند نیازی هم نیست که بدانند. چیزی که مهم است این است که آنها امروز همانند من و شما شهروندان عادی این جامعه هستند و می‌خواهند زندگی کنند. صدای مسئول پروژه خطاب به یاورها در ذهنم می‌پیچد: «حواستان باشد هیچ کسی امروز دست خالی نباشد» و سرشار از باران عشق مردمی که امروز بر نگاه‌های حسرت بار این کودکان باریده است سالن را ترک می‌کنم.

خانواده هایی چند نفره دور آنها حلقه زده‌اند، چهره ها مصمم و پر انرژی است، کودکان می‌دوند و شادی می‌کنند، نمی‌توانم باور کنم که بیشتر این چهره های مصمم و پرانرژی روزگاری «ته خطی» بوده‌اند

نوبت اول
آگهی فراخوان مزایده عمومی

شرکت خدمات هوایی پست و مخابرات (پیام) در نظر دارد، از سرمایه‌گذاران واجد شرایط جهت شرکت در مزایده عمومی با ارزیابی کیفی (یکپارچه) ارائه خدمات انبارداری شامل: تخلیه و بارگیری، صفافی و استریپ کالا، پلمپ و جابه‌جایی کانتینر در کلیه انبارهای گمرکی مسقف و روباز منطقه ویژه اقتصادی پیام دعوت نماید.

تضمین شرکت در مزایده: مبلغ ۶ / ۸۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ (شش میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون) ریال مطابق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی یا واریز نقدی

مهلت و نحوه خرید اسناد: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ الی ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

محل دریافت اسناد: به‌صورت فیزیکی از طریق دبیرخانه مرکزی

مهلت تحویل پیشنهادات: تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

محل تحویل پیشنهادات: دبیرخانه مرکزی شرکت خدمات هوایی پست و مخابرات(پیام)

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۰۹:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۹

*اطلاعات تکمیلی در شرایط مزایده لحاظ گردیده است.

آدرس: کرج-مهرشهر-جاده ماهدشت-فرودگاه بین‌المللی پیام شماره تماس: ۰۲۶-۳۳۲۶۶۱۳۵

۱۶۸۱۱۳۴

وزارت نیرو
شرکت مدیریت منابع آب ایران
شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر

تجدید آگهی مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) نوبت اول

شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر در نظر دارد به‌منظور اجرای پروژه ذیل که بر اساس فهرست بهای پایه سال ۱۴۰۲ برآورد گردیده مطابق مشخصات زیر نسبت به انتخاب پیمانکار ذیصلاح اقدام نماید، لذا از کلیه پیمانکاران واجد صلاحیت که دارای سابقه کاری مرتبط هستند دعوت می‌شود از تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تا تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ ساعت ۱۵ برای خرید اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

ردیف	شماره فراخوان	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	محل اجرا	مدت اجرا	رشته و حداقل پایه	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	محل تأمین اعتبار
۱	۲۰۰۲۰۰۱۴۳۱۰۰۰۰۵۰	تکمیل ساختمان گنجینه آب و تجمیع ساختمان‌های اداری شرکت آب منطقه‌ای بوشهر	۷۳۱ / ۳۳۶ / ۹۰۷ / ۹۴۱	استان بوشهر، شهر بوشهر	۲۴ ماه	۳- ابنیه و ۵- تأسیسات	۲۳ / ۳۳۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	منابع داخلی

۱- قیمت خرید اسناد ارزیابی و مناقصه مبلغ ۱۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال می‌باشد که می‌بایست به‌حساب شماره IR۶۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۳۴۰۳۰۱۸۸۱۸ به‌نام تمرکز وجوه درآمد شرکت آب منطقه‌ای بوشهر نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شناسه حساب ۳۱۵۱۰۳۴۷۳۲۹۵۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ واریز نمایند و فیش واریزی را به شرکت آب منطقه‌ای بوشهر، دفتر قراردادها تحویل دهند.

۲- ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه می‌بایست به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز وجه نقد به‌شماره حساب IR۰۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۰۳۴۰۶۳۷۵۹۸۳ و شناسه حساب ۹۴۱۲۹۵۰۱۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به‌نام تمرکز سپرده جاری شرکت آب منطقه‌ای بوشهر نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد.

۳- آخرین مهلت بارگذاری مدارک به‌صورت الکترونیکی در سامانه ستاد تا ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ می‌باشد.

توجه: تنها پاکت الف (تضمین شرکت در مناقصه) علاوه بر فایل الکترونیکی می‌بایست به‌صورت فیزیکی به دبیرخانه محرمانه شرکت آب منطقه‌ای بوشهر (دفتر حراست) تحویل گردد.

۴- پاکت‌ها در ساعت ۱۱ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ گشوده خواهد شد حضور یک نفر نماینده از طرف پیشنهاددهندگان در جلسه افتتاح پیشنهاد آزاد است.

۵- هزینه درج آگهی در دو نوبت به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۶- به پیشنهادات فاقد امضا، مشروط و مخدوش مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۷- کلیه اسناد ارزیابی و مناقصه و مدارک ارائه شده می‌بایست به مهر (الکترونیکی) و امضای مجاز تعهدآور (دیجیتالی) برسد.

۸- ارائه صورت مالی حسابرسی شده شرکت پیمانکار توسط حسابرسان رسمی مربوط به سال ۱۴۰۱

۹- ارائه کد شناسایی ملی الزامی می‌باشد.

۱۰- ارائه گواهی صلاحیت ایمنی توسط پیمانکاران الزامی می‌باشد.

۱۱- مدت اعتبار پیشنهاد قیمت: ۳ ماه

ایران ورزشی
سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۰۲۱۸۷۷